

کنند که ما جلوی آن را گرفتیم؛ وقتی وارد مسجد دانشگاه شدیم، (از قبل قرار بود که تحصن در مسجد دانشگاه باشد)، دیدیم که در کنار محراب مسجد، پلاکارد بزرگی با موضوع آمدن امام زده و در زیر پلاکارد نام سازمان مجاهدین خلق (منافقین) را نوشته‌اند. تا وارد شدیم آقای مطهری گفتند که این پلاکارد را بردارید....

به اتفاق آقایان شهید مطهری، خامنه‌ای، ربانی املشی، ربانی شیرازی و عده‌ای دیگر با یک دستگاه مینی‌بوس عازم دانشگاه تهران شدیم و اول صبح در آنجا بودیم. از طرف دیگر، چون عده‌ای از مردم به بهشت زهرا می‌رفتند، شهید بهشتی به اتفاق چند تن دیگر، عازم بهشت زهرا شدند.

وقتی به دانشگاه تهران وارد شدیم، با تعدادی از دانشجویان که در حدود ده بیست نفر بودند، مواجه گشتیم که از تحصن ما مطلع شده و در آنجا حضور یافته بودند. شهید مطهری، روی پله‌های مسجد دانشگاه ایستادند و در حضور عده‌ای که در آنجا بودند، اعلام کردند که ما در اعتراض به رژیم و دولت که از ورود حضرت امام جلوگیری کرده است، در اینجا متحصن می‌شویم و تحصن خود را از همین جا به دنیا اعلام می‌کنیم و تا این منع برطرف نشود، به تحصن خود ادامه خواهیم داد. شهید مطهری به صورت خلاصه و در چند جمله، هدف از تحصن را بیان کردند و خبرنگارانی هم که در آنجا حضور داشتند، مطالب را نوشته و مخابره کردند.

بعد از این‌که ما برای تحصن در مسجد دانشگاه تهران مستقر شدیم، سیل جمعیت از نقاط مختلف به آنجا سرازیر شد. گروهی از مدرسان قم در همان صبح روز اول آمده بودند؛ ازجمله جناب آقای فاضل لنکرانی، مرحوم شهید قدوسی و آقای راستی کاشانی. در کنار مسجد یک یا دو اتاق بزرگ قرار داشت و در واقع دفتر مسجد بود که آقایان در آنجا جمع شده و کمیته‌هایی برای اداره تحصن و رسیدگی به اوضاع تحصن تشکیل داده بودند. یکی از کمیته‌ها کمیته تبلیغات بود، دیگری کمیته رسیدگی به علمای شهرستانی بود. در این قسمت اسامی و مشخصات علمایی که از شهرستان‌ها به متحصنان می‌پیوستند، نوشته می‌شد تا برای انتشار در اختیار خبرنگاران قرار گیرد.

آقای خامنه‌ای مسؤول کمیته تبلیغات شدند و من هم در جایگاه قائم مقام و معاون ایشان همکاری می‌کردم. یکی از دانشکده‌ها را به کمیته تبلیغات اختصاص دادند و افرادی هم به عضویت این کمیته درآمدند. در کمیته تبلیغات، مطالبی که باید در روزنامه‌ها مطرح می‌شد، مورد بررسی و تصویب قرار می‌گرفت. در مجموع فعالیت‌های تبلیغاتی تحصن را که در واقع از کارهای اساسی و اصلی بود، این کمیته انجام می‌داد.

یکی از فعالیت‌های دیگر، پشتیبانی از متحصنان و کسانی بود که در آنجا حاضر شده بودند. مردمی که در آنجا بودند و جمعیت فراوانی را هم تشکیل می‌دادند، احتیاج به تغذیه و... داشتند. این مسائل به عهده کمیته خاص دیگری بود. برخورد با مردم و صحبت با آنان و تعیین سخنرانان هم از جمله مسائلی بود که احتیاج به مدیریت خاصی داشت و لازم بود تحت برنامه منظمی باشد.

اگر برنامه منظمی وجود نداشت، ممکن بود هر کس که دلش می‌خواست پشت تریبون رفته، مطالب ناصواب و خلافی بگوید. این مسأله زمانی مهم جلوه می‌کند که در نظر داشته باشیم در آن ایام، افراد و گروه‌های مختلف از مسلمان گرفته تا ملحد، در جریان انقلاب وجود داشتند و بعضی از گروه‌ها تلاش داشتند قضایا را به نفع خود تمام کنند. با توجه به این مسائل، ما تمام کارها را در دست گرفتیم.

سخنرانی‌های زیادی در دو روز تحصن انجام گرفت. یکی از کسانی که سخنرانی کرد، شهید مطهری بود که در عصر یک روز سخنرانی مفصلی انجام داد. ❏



وقتی وارد مسجد دانشگاه شدیم، (از قبل قرار بود که تحصن در مسجد دانشگاه باشد)، دیدیم که در کنار محراب مسجد پلاکارد بزرگی با موضوع آمدن امام زده و در زیر پلاکارد نام سازمان مجاهدین خلق (منافقین) را نوشته‌اند. تا وارد شدیم آقای مطهری گفتند که این پلاکارد را بردارید....



قسمتی از کتاب خاطرات آیت‌ا... طاهری خرم‌آبادی

# شهید مطهری گفت پلاکارد منافقین را بردارید!

❏ بایسته شدن فرودگاه‌ها توسط دولت بختیار و ممانعت از ورود امام خمینی به کشور، روحانیت مبارز دست به ابتکار بزرگی زد. در جلسه‌ای با حضور حداکثری روحانیون مبارز و فعال انقلابی تصمیم به برگزاری تحصن در دانشگاه تهران گرفته شد. برپایی این تحصن نقش بسزایی در روند تشدید مبارزات و ورود امام به کشور داشت. در جلسه تصمیم‌گیری برای برگزاری این تحصن چهره‌های برجسته انقلاب حضور داشتند و نظریه تحصن را مطرح و برای برگزاری آن تصمیم گرفتند.

مرحوم آیت‌ا... سید حسن طاهری خرم‌آبادی از مبارزان انقلابی که خود از نزدیک شاهد حوادث بود در کتاب خاطرات خود که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است درباره جلسه تصمیم‌گیری روحانیون برای برگزاری تحصن می‌گوید، خاطراتی که امروز با گذشت بیش از ۴۰ سال از آن روزها نقش و اهمیت آنها در ساخت ذهنیت مخاطب روشن می‌شود. اتفاقاتی که در صورت بازگو نشدن و ماندن در حافظه افراد امروز در زیر خاک مدفون می‌ماند و بسیاری از اتفاقات تاریخ در گذر زمان به دست فراموشی سپرده می‌شد.

در آن جلسه دو نظریه مطرح شد؛ یک نظر این بود که تحصن در مکانی صرفاً مذهبی انجام بگیرد. برای این منظور مسجد شاه سابق که بعدها امام خمینی نام گرفت، در نظر گرفته شد. دوستان می‌گفتند که آنجا بهترین مکان برای تحصن است. این مسجد در بازار قرار داشت و مردم هم در مسجد و اطراف آن تردد داشتند، علاوه بر این که مکان وسیعی نیز بود. نظر دیگر تحصن در دانشگاه بود....

نظر بعضی از آقایان از جمله آقای خامنه‌ای این بود که تحصن در مسجد بازار انجام بگیرد. ایشان روز بعد در توضیح نظرشان گفتند که من به این علت گفتم تحصن در مسجد بازار انجام گیرد که در دانشگاه به دلیل وجود منافقان در میان دانشجویان ممکن است مسأله‌ای برای ما به وجود بیاورند. مسجد و بازار کاملاً در اختیار مردم قرار دارد، اما دانشگاه این‌گونه نیست و با مسجد و بازار متفاوت است. اتفاقاً وقتی به دانشگاه تهران رفتیم، نزدیک بود مشکل ایجاد

شب هنگام جلسه‌ای با حضور آقایان تشکیل گردید. در این جلسه، بیشتر آقایان و دست‌اندرکاران انقلاب حضور داشتند؛ آقایان شهید مطهری، شهید بهشتی، آقای خامنه‌ای، مرحوم ربانی شیرازی، مرحوم ربانی املشی، مرحوم توسلی، شهید محلاتی، آقای هاشمی رفسنجانی و آقای منتظری از حاضران در جلسه آن شب بودند. آقای منتظری در متن مسائل قرارداداشت و در آن ایام به منزل حاج معین، یکی از پیرمردهای خیابان ایران که انقلابی هم بود، می‌رفت. ما هم گاهی اوقات به منزل آن پیرمرد می‌رفتیم.

در جلسه آن شب، بحث تحصن مطرح شد. راهپیمایی انجام شده بود، اما امام همچنان نمی‌توانستند به کشور بیایند. فکر کردیم اگر ما در جایی متحصن شویم، مردم هم به جمع متحصنان خواهند پیوست، حتی از شهرستان‌ها نیز خواهند آمد. این پیشنهاد و طرح حساب شده و بسیار مفید بود.

